

هواپیما

قصه‌ساز

شماره ۲۹

۲۵ دی ماه

۱۴۰۰

۲

شعبه

بخوانیم

هواپیما خریدم
من از بازار مشهد
هواپیمای گنده
حرم هم با من آمد

ولی راهش ندادند
هواپیمای من را
فقط خادم به من گفت:
شما داخل، بفرما

هواپیمای من رفت
برای استراحت
فرود آمد دم در
برای چند ساعت

امانت دادم او را
به یک دفتر دم در
زیارت رفتم آن وقت
خودم همراه مادر

شاعر: زهرا داوری

